

## سنجش حکایات مشابه مولوی با مثنویهای عطار

علی حیدری\*

بی تردید یکی از سرچشمه های زلال مولانا در بیان حکایات مثنوی معنوی، مثنویهای عطار است، به حدی که از مجموع ۳۹۰ حکایت در شش دفتر مثنوی ۴۲ حکایت در مثنویهای عطار (مصیبت نامه، الهی نامه، منطق الطیر، اسرار نامه) آمده است، که بیانگر توجه مولانا به آثار عطار است. ظاهراً مولوی مثنوی را به خواہش حسام الدین چپلی و به تقلید از حدیقه نوشته است<sup>۱</sup>. هرچند مولوی برای سنائی ارزش فوق العاده ای قائل بوده است و چندین بیت از حدیقه یا از دیوان سنائی را در مثنوی ذکر کرده و گاهی نیز آن ابیات را شرح و تفسیر کرده است از جمله:

۱- به هر چه از راه وامانی چه کفر آن حرف و چه ایمان

به هر چه از دوست دور افتی چه زشت آن نقش و چه زیبا

مثنوی ص ۷۰

که در صفحه ۵۸ دیوان سنائی آمده است.

کارفرمای آسمان جهان

۲- آسمانهاست در ولایت جان

---

\* دکتر در زبان و ادبیات فارسی.

<sup>۱</sup> - سرنی ص ۳۴.

در ره روح پست و بالاهاست

کوههای بلند و دریاهاست

۳- بشنو این پند از حکیم غزنوی

تا بیابی در تن کهنه نوی

ناز را روئی بیاید همچو رود

چون نداری گرد بد خوئی مگرد

زشت باشد روی نازیبا و ناز

سخت باشد چشم نابینا و درد

مثنوی ص ۷۰

که در بین ابیات به صورت تضمین آمده است، هر چند ابیات سنائی ظاهراً از یک غزل است.

مابندگی خویش نمودیم و لیکن

خوی بد تو بنده ندانست خریدن

مثنوی ص ۹۲۸

داند اعمی که مادری دارد

لیک چونی به وهم در نارد

مثنوی ص ۸۳۵

که در حدیقه صفحه ۸۲ آمده است:

چون زبان حسد شود نخاس

یوسفی یابی از گزی کرباس

مثنوی ص ۹۱۵

که در صفحه ۷۱۲ حدیقه آمده است:

هر که را آینه یقین باشد

گرچه خود بین خدا بین باشد

مثنوی ص ۷۰۰

بیت من بیت نیست اقلیمی است

هزل من هزل نیست تعلیمی است

مثنوی ۷۲۲

در صفحه ۷۱۸ حدیقه آمده ولی در آنجا جای دومصرع برعکس است:

هرکه راجان عز لیک است

نامه برنامه پیک بر پیک است

مثنوی ص ۷۳۰

که در صفحه ۷۱۲ حدیقه آمده است :

گاهی اوقات نیز بعضی از مضامین سنائی را با ذکر نام ایشان نقل قول می کنند از جمله :

۱- آنچنان گوید حکیم غزنوی در الهی نامه گر خوش بشنوی  
کم فضولی کن تو در حکم قدر در خور آمد شخص خر با گوش خر

مثنوی ص ۳۹۶

که اشاره دارد به بیت معروف :

تو فضول از میانه بیرون بر گوش خر در خوراست با سرخر

حدیقه ص ۸۳

۲- خوش بیان کرد آن حکیم غزنوی که زقرآن گر نبیند غیر قال  
بهر محجوبان مثال معنوی این عجب نبود ز اصحاب ظلال

مثنوی ص ۴۵۰

که به بیت زیر اشاره دارد :

عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز حرفی

که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نا بینا

دیوان، ص ۵۹

۳- پس نکو گفت آن حکیم کامیار در الهی نامه بس اندرز کرد  
که تو طفلی خانه پر نقش و نگار که برآر از دودمان خویش گرد

مثنوی، ص ۵۷۲

که اشاره دارد به بیت :

همه از تو این است که توفلفی و خانه رنگین است

حدیقه، ص ۴۳

۴- گفت موسی با یکی مست خیال صد گمانت بود در پیغمبریم  
کای بد اندیش از شقاوت واز ظلال با چنین برهان واین خلق کردیم...  
سجده کردی که خدای من توی سوساله ای از جادوی

که اشاره دارد به بیت :

گاو را دارند باور در خدائی عامیان      نوح را باور ندارند از پی پیغمبری

دیوان، ص ۳۲۵

اما در مجموع مثنوی با حدیقه فقط شش حکایت مشابه دارد. در حالی که با مثنویهای عطار ۴۲ حکایت مشترک دارد که در جدول شماره ۱ این حکایت مشخص شده است و از بین آثار عطار نیز چنانچه در جدول شماره ۲ مشخص شده است توجه بیشتری به اسرار نامه داشته است. و از جهاتی دیگر نیز تأثیر اسرارنامه بر مثنوی کاملاً مشهود است از، جمله:

۱- در دیگر منظومه های عطار و همچنین در حدیقه، در اکثر حکایات بیش از یک نتیجه گرفته نشده است. اما در اسرارنامه مانند مثنوی مولوی، عطار معمولاً به یک نتیجه اکتفا نکرده است.

۲- د اسرار نامه مانند مثنوی بر خلاف دیگر منظومه های عطار و حدیقه، ابیاتی که به عنوان نتایج آمده است کمابیش از ابیات حکایات بیشتر است. در حالیکه در منظومه های دیگر و حدیقه، ابیات نتایج معمولاً کمتر از ابیات حکایات است و در موارد بسیاری نیز هیچ نتیجه ای بعد از نقل حکایت ذکر نشده است.

۳- مصیبت نامه، منطق الطیر و الهی نامه داستانهای منسجمی هستند، که در اثنای آنها حکایاتی ذکر شده است. اما اسرار نامه چنین نیست و فقط کتاب به ۲۲ مقاله بدون هیچ نظم خاص تقسیم بندی شده است، و بعید نیست قول دولتشاه سمرقندی که گفته است عطار اسرارنامه را در زمان طفولیت مولوی به او هدیه کرده است<sup>۱</sup> صحیح باشد یا اینکه برمبنای همین شباهت ها این افسانه را ساخته باشند.

در این مقاله فقط نتیجه بررسی حکایات مشابه مثنوی با مثنویهای عطار به طور مختصر بیان شده است البته تمام این حکایات جداگانه دو بدو با هم در پایان نامه دکتری اینجانب تحت عنوان ( سنجش حکایات مشابه مثنوی مولوی با مثنویهای عطار و سنائی) در دانشگاه علامه طباطبائی بررسی شده است.

<sup>۱</sup> - مقدمه اسرارنامه، ص ۵.

## جدول شماره ۱

## حکایات مشترک مثنوی مولوی بامثنویهای عطار و سنائی

حدیقه	مولوی <sup>۳</sup>		
۶۹	۳-۳۳۹	حکایت فیل و کوران × <sup>۱</sup>	۱
۸۴	۱-۱۶۵	حکایت شاگرد احو	۲
۱۶۸	۴-۵۷۸	ابراهیم و آتش	۳
۲۹۰	۲-۲۴۹	حکایت زنگی و آینه ×	۴
۴۱۱	۴-۴۹۹	حکایت انسان گل خور ×	۵
۷۴۰	۶-۸۱۰	مرغ و دام	۶
اسرارنامه	مولوی		
۵۶	۲-۱۷۱	حکایت کسی که گفت چشمی که معشوق نبیند بہتر است کور باشد	۷
۵۷	۳-۴۶۶	حکایت شکایت پشه از باد در پیش سلیمان ×	۸
۶۱	۴-۴۸۵	حکایت کناس و عطار ×	۹
۶۸	۲-۲۴۹	حکایت سیاهی که عکس خود در آب دید	۱۰
۸۹	۱-۶۳	حکایت طوطی و بازرگان ×	۱۱
۹۵	۵-۶۷۹	حکایت طوطی و آینه	۱۲
۹۹	۱-۸۴	حکایت استاد و شاگرد احو ×	۱۳
۱۰۱	۴-۵۷۴	حکایت باز و پیره زن ×	۱۴
۱۶۳	۶-۸۲۴	حکایت مور حریص	۱۵

<sup>۳</sup> عدد سمت راست نشانه صفحه و عدد سمت چپ نشانه دفترهای مثنوی است.

<sup>۱</sup> حکایاتی که با علامت × مشخص شده اند در کتاب (ماخذ قصص وتمثیلات) استاد فروزانفر نیز نقل شده است.

۱۷۹	۳-۴۶۸ و ۲-۲۷۶	حکایت موش و شتر	۱۶
مصیبت نامه	مولوی		
۱۰۷	۲-۲۰۷	حکایت خیار تلخ خوردن	۱۷
۱۰۸	۵-۷۵۴ و ۱-۱۹	حکایت مجنون و هارون <sup>۲</sup> ×	۱۸
۱۳۹	۵-۶۹۶	حکایت ایاز و پوستین ×	۱۹
۱۹۸	۴-۵۲۶	حکایت رابعه	۲۰
۱۳۷	۱-۶	حکایت کنیزک و شاگرد	۲۱
۲۵۳	۵-۷۵۰	حکایت دیوانه و عمید	۲۲
۲۷۶	۶-۸۴۵	حکایت محمود و طفل هندو ×	۲۳
۲۸۳	۱-۱۴	حکایت طوطی و بقال	۲۴
۲۹۷	۵-۷۸۴	حکایت جام شکستن ایاز ×	۲۵
۳۰۸	۲-۲۰۲ و ۲-۲۶۴	حکایت آه کردن برفوت حج	۲۶
۳۴۰	۱-۷۶	حکایت پیر چنگی ×	۲۷
۳۴۷	۱-۱۱۹	حکایت عاشقی که درخانه معشوق زد ×	۲۸
۳۶۹	۲-۲۲۸	حکایت دیوانه و افلاطون	۲۹
۳۷۸	۱-۸۹	حکایت خلیفه و اعرابی ×	۳۰

الهی نامه	مولوی		
۱۰۱	۱-۴۰	حکایت سلیمان و عزرائیل	۳۱
۱۱۳	۲-۱۶۱	حکایت همراه عیسی و زنده شدن استخوانها ×	۳۲
۱۲۱	۵-۷۳۹	حکایت کسی که دنبال آدم می گشت	۳۳
۱۳۷	۲-۲۰۳	حکایت شبلی و یازان	۳۴
۱۵۹	۲-۲۰۲ و	حکایت اندوه رابعه	۳۵
	۲-۲۴۶		
۱۹۸	۲-۲۰۶	حکایت بنده بنده بودن	۳۶
۲۱۰	۴-۵۵۹	حکایت صیاد و پرنده ×	۳۷
۲۱۹	۶-۹۶۹	حکایت نمرود	۳۸
۲۸۶	۴-۵۴۸	حکایت کج شدن تخت سلیمان	۳۹
۳۰۱	۵-۷۳۷	حکایت گاوی که هفت صحرا را می خورد ×	۴۰
۳۰۹	۴-۵۸۷	حکایت ابراهیم و آتش	۴۱
منطق الطیر	مولوی		
۳۲	۶-۸۲۷	حکایت احد، احد گفتن بلال ×	۴۲
۱۱۱	۲-۲۰۶	حکایت پادشاه و ژنده پوش ×	۴۳
۱۳۵	۲-۲۰۷	حکایت خیار تلخ خوردن ×	۴۴
۱۵۳	۵-۷۵۰	حکایت دیوانه و عمید ×	۴۵
۱۹۳	۴-۵۸۷	حکایت ابراهیم و آتش	۴۶
۱۹۶	۶-۸۱۶	خوابیدن عاشق ×	۴۷
۲۰۹	۵-۷۰۳	حکایت معشوقی که به عاشق گفت خود را دوست داری یا من	۴۸

جدول شماره ۲

حکایات مشترک

ردیف	نام منظومه	تعداد حکایات	مقدار حکایات مشترک	درصد حکایات مشترک	تعداد ابیات
۱	مثنوی مولوی	۳۹۱	-	-	۲۵۶۳۱
۲	حدیقه	۱۱۲	۶	۵/۳۳٪	۱۱۴۶۰
۳	مصیبت نامه	۳۵۶	۱۴	۳/۹٪	۷۰۰۰
۴	اسرار نامه	۹۷	۱۰	۱۰/۳٪	۳۳۰۹
۵	الهی نامه	۲۵۱	۱۱	۴/۴٪	۶۶۴۶
۶	منطق الطیر	۱۸۵	۷	۳/۸٪	۴۶۹۶

شیوه کار :

پس از استخراج حکایات مشترک از مثنویهای عطار و مولوی، از ۵ جهت زبانی، ادبی، تعداد ابیات، ویژگیهای دوره نخست زبان فارسی و فکری باهم مقایسه شده اند که به تفکیک درمورد هر کدام مختصر توضیحی داده می شود.

۱- زبانی

الف) موسیقی کناری: در این بخش حکایات از نظر عروض و قافیه و ردیف مورد بررسی قرار گرفته است.

الف- ۱) عروض : در این بخش فقط رکن آخر مصرعها مورد بررسی قرار گرفته است به این ترتیب که آیا هجای آخر، بلند یا کشیده است؟ زیرا اگر هجای آخر کشیده باشد قطعاً موسیقی کناری قوی تر است. مثلاً فاعلاتُ از فاعِلُنْ و فعول از فعْلٌ قویتر است، به عبارتی دیگر در تمام مثنویهای مورد بحث شاعر می تواند در رکن آخر از زحاف محذوف یا مقصور استفاده کند که از نظر ما زحاف مقصور که آخرین هجای آن کشیده است، از زحاف محذوف که آخرین



هجای آن کوتاه یا بلند است موسیقایی ترو در نتیجه موسیقی کناری قویتر است. ضمن اینکه زحاف نادر و حذف های بی مورد در بخش ویژگیهای دروه نخست زبان فارسی ذکر شده اند.

الف-۲) قافیه: هجاهای زبان فارسی به ترتیب عبارتند:

CV=بِ

CV°=با

CVC=بر

CV°C=بار

CVCC=برد

CV°CC=کاست

که از نظر موسیقایی، CV ضعیفترین و CV°CC قویترین هجای فارسی است که می توانند هجای قافیه واقع شوند، ضمن اینکه هر کدام از این هجاها می توانند حروف، وصل و خروج و مزید و نایره ملحق شوند.

هجاهای CV° و CVC از نظر موسیقایی باهم مساوی هستند. همچنین هجاهای CV°C و CVCC نیز باهم برابرند، به طور خلاصه از نظر موسیقایی به ۴ دسته تقسیم می شوند که عبارتند:

CV-۱

CV° و CVC-۲

CV°C و CVCC-۳

CV°CC-۴

برای تشخیص ارزش موسیقایی قوافی به هجای CV که معمولاً قافیه نمی شود امتیازی در نظر نگرفته ایم. اما اگر موصوله شود ۱ امتیاز و اگر حرف خروج نیز به آن اضافه شود ۲ امتیاز و اگر حرف مزید نیز اضافه شود ۳ امتیاز و اگر حروف نایره هم ذکر شود ۴ امتیاز و برای هجاهای CV° و CVC، ۵ امتیاز و بابت وصل و خروج و مزید و نایره نیز هر کدام یک امتیاز

در نظر گرفته شده است و به هجاهای CV<sup>o</sup>C و CVCC هرکدام ۱۰ امتیاز داده شده است که طبق معمول به حروف الحاقی نیز هرکدام یک امتیاز داده شده است و به همین شیوه هجای CV<sup>o</sup>CC ۱۱۵ امتیاز، با احتساب وصل و خروج و مزید و نایره به ۱۹ امتیاز می رسد پس به ضعیف ترین هجای قافیه ۱ و به قویترین هجای قافیه از نظر موسیقی ۱۹ امتیاز داده شده است. سپس تقسیم بر تعداد ابیات شده و میانگین آن در نمودار ذکر شده است. بدیهی است هر چه امتیاز قافیه حکایت بالاتر باشد موسیقی کناری آن قویتر است. همچنین اگر در حکایتی عیب قافیه وجود داشته، ذکر شده است.

**الف ۳۰) ردیف:** از جمله مواردی که باعث غنای موسیقی کناری شعر می شود، ردیف، است، معمولاً ردیف در مثنویهای حماسی کاربرد کمتری دارد و تا حدی از شدت حماسی بودن آنها می کاهد. اما برعکس در مثنویهای تعلیمی و به خصوص عرفانی مفید فایده است. در یک مقایسه سطحی در ۱۰۰ بیت فردوسی<sup>۱</sup> ۱۱٪ ابیات مردّف است و در ۱۰۰ بیت از خسرو شیرین نظامی<sup>۲</sup> ۴۳٪ ابیات مردّف است. یا دویست بیت از شاهنامه از دو قسمت حماسی که تصادفی انتخاب شده است ۱۳٪<sup>۳</sup> ابیات ردیف دارند. اما در دویست بیت دیگر که از قسمت تاریخی انتخاب شده است در ۱۰۰ بیت اول ۲۷٪ درصد بیت دوم ۲۵٪ ابیات مردّف اند<sup>۴</sup>. با توجه به اینکه منظومه های مورد بحث همه مثنوی و عرفانی هستند، هرچه ردیف بیشتری داشته باشند، باعث زیبایی موسیقی کناری حکایت می شوند، پس یکی از معیارهای سنجش حکایات، ردیف می باشد.

<sup>۱</sup> شاهنامه، جلد چهارم، ص ۱۲۰۴، ابتدای خوان سوم اسفندیار بیت ۱۶۶۳ تا ۱۷۶۳.

<sup>۲</sup> خسرو و شیرین، ص ۱۵۰، پاسخ شیرین خسرو را.

<sup>۳</sup> الف: صد بیت از جنگ رستم و سهراب جلد چهارم ص ۱۲۷۷ بیت ۳۳۳۸ تا ۳۴۸۸ ب: رزم کیخسرو و افراسیاب جلد چهارم، ص ۱۰۱۳ بیت ۱۳۰۵ تا ۱۴۰۵.

<sup>۴</sup> الف: آغاز داستان خسرو و شیرین، جلد هفتم، ص ۲۱۷۰ بیت ۳۴۸۱ تا ۲۵۸۱ ب: در بیت خراب شدن شهر ری جلد هفتم ۲۱۵۶، بیت ۱۳۶۱ تا ۳۲۶۱.

ب) لغوی: در این قسمت، تعداد کلمات عربی در هر حکایت مشخص شده، سپس تقسیم بر تعداد ابیات شده است و درصد کاربرد لغات عربی در بیت ارائه شده است. ضمن اینکه در این آمار اسامی خاصی که از زبان عربی هستند لحاظ نشده است.

ج) نحوی: در این قسمت، درصد مصرعهای حکایت که دارای منطوق نثری هستند مشخص شده، یعنی مصرعها که در آنها شیوه مرسوم زبان فارسی ( فعل فاعل مفعول ) رعایت شده است و همچنین حذفهای ادبی در آن صورت نگرفته باشد، زیرا از نظر ما درهم ریختن سامان نثری ایجاد نوعی تخیل می کند، مثلاً یکی از دلایل برتری، این بیت رویائی فرودسی است:

برد کشتی آنجا که خواهد خدای  
اگر جامه بر تن درد ناخدای  
بر بیت سعدی:

خدا کشتی آنجا که خواهد برد  
اگر ناخدا جامه بر تن درد  
این است که در بیت سعدی منطوق نثری ( فاعل + مفعول + فعل ) رعایت شده اما در بیت فرودسی این نظم درهم ریخته شده است ابتدا فعل ( برد ) سپس مفعول ( کشتی ) و در آخر فاعل ( ناخدا ) ذکر شده است.

## ۲- ادبی:

### الف- بدیع:

الف ۱- بدیع لفظی: در این قسمت انواع صنایع بدیع لفظی استخراج و درصد آن نسبت به تعداد ابیات ارائه شده است، ضمن اینکه کلمات قافیه که یک بار از نظر موسیقی کناری مورد بررسی قرار گرفته اند، در قسمت بدیع لفظی به دلیل اینکه بدون استثناء تمام قوافی در هر بیت نوعی جناس یا سجع باهم دارند، در این آمار لحاظ نشده است، زیرا هیچ تأثیری در سنجش حکایات ندارد. چون از هر بیت به صورت مساوی یک مورد صنعت لفظی کم شده است.

الف ۲- بدیع معنوی: در این قسمت انواع صنایع معنوی استخراج و درصد آنها نسبت به ابیات یک حکایت ارائه شده است.

ب) بیان: در این قسمت، حکایات از نظر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه بررسی شده است و تعداد هر کدام از آنها جداگانه استخراج و درصد آنها نسبت به تعداد ابیات یک حکایت ارائه شده است.

۳- ویژگیهای دوره نخست زبان فارسی: در این قسمت مطابق کتابهای سبک‌شناسی نثر مرحوم بهار، سبک خراسانی در شعر فارسی از دکتر محمد جعفر محجوب و کلیات سبک‌شناسی از دکتر سیروس شمیسا ویژگیهای دوره نخست زبان فارسی استخراج و در صد آنها نسبت به ابیات یک حکایت ارائه شده است. با توجه به اینکه هرسه شاعر از نظر زبانی تقریباً در یک مرحله از زبان فارسی<sup>۱</sup> (زبان کهن فارسی یا دوره نخست زبان فارسی) هستند این مقایسه انجام گرفته است.

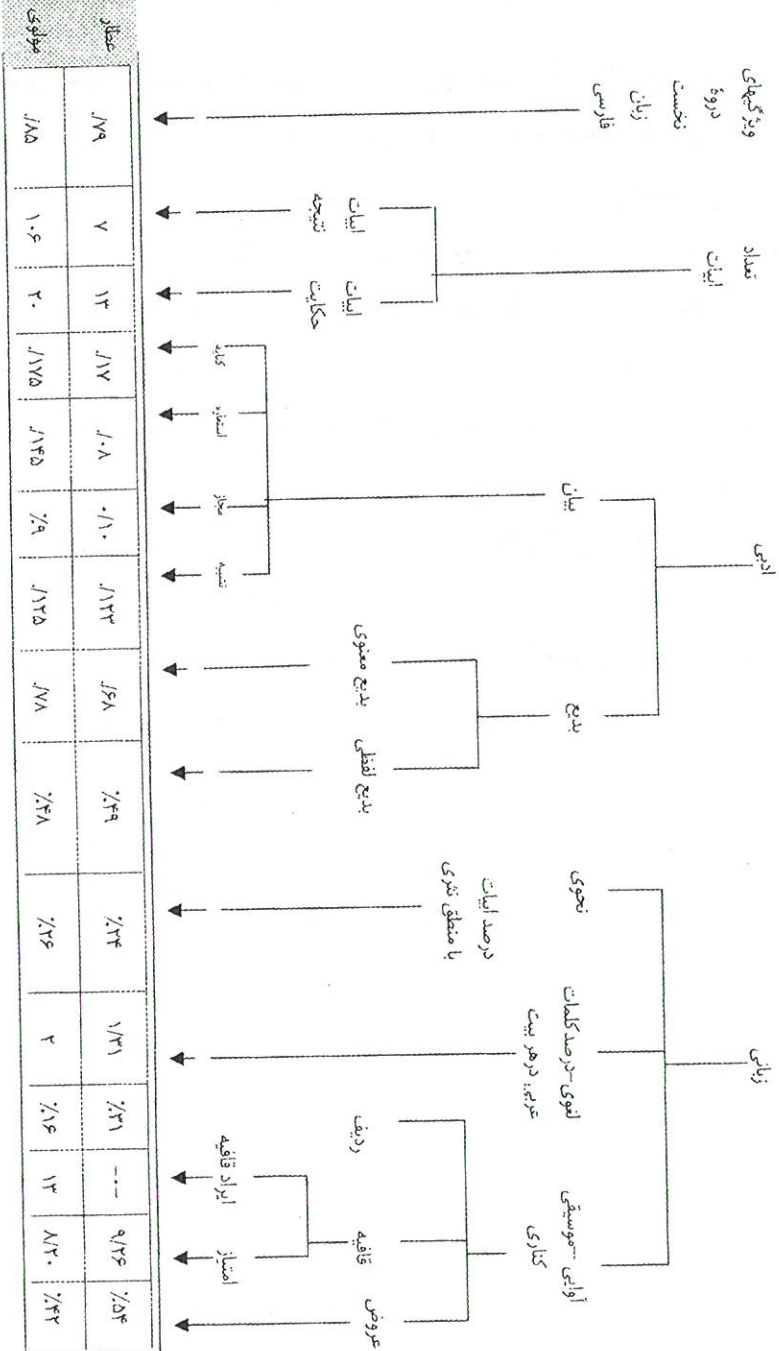
۴- تعداد ابیات حکایات و ابیات نتیجه جداگانه، ذکر شده است.

۵- حکایات جداگانه از نظر فکری و ارتباط آنها با ابیات قبل مورد بررسی قرار گرفته و دو به دوی آنها با هم مقایسه شده است و در نهایت بر مبنای این حکایت، مثنوی مولوی با منظومه های عطار مقایسه شده است.

آنچه در این مقاله می‌خوانید مقایسه نهایی مثنوی مولوی با مثنویهای عطار است که بر مبنای ۴۲ حکایت مشابه صورت گرفته شده است.

<sup>۱</sup> کلیات سبک‌شناسی، ص ۱۸۴.

مقایسه نبراهنی مولوی و عطار



## مقایسه نهایی مثنوی مولوی با مثنویهای عطار

## ۱- زبانی

الف: موسیقی کناری، عطار در این زمینه (عروض، ردیف، قافیه) چنانکه در جدول ملاحظه می شود به مراتب قوی تر از مولوی است، ضمن اینکه در مثنوی (در این حکایات مشترک) ۱۳ بیت عیب قافیه دارد. چنانکه در مقدمه ذکر کردیم مولوی در ذکر حکایات اهمیت چندانی به ردیف و قافیه نمی دهد. و از اختیارات شاعری بیشتری استفاده می کند. زیرا توجه بیش از حد او به نتایج، باعث شده است که توجه کمتری به نقل حکایات داشته باشد. و از طرفی دیگر چون بسیاری از حکایات از زبان عوام است این بی توجهی به موسیقی کناری مشاهده می شود.

ب) لغوی: درصد لغات عربی در مثنوی به ازای هر بیت ۲ کلمه و در مثنوی های عطار به ازای هر بیت ۱/۳۱ کلمه است که به نحو چشمگیری مولوی تمایل بیشتری به لغات عربی داشته است. شاید عمده ترین دلیل آن، این باشد که مولوی با افراد عرب زبان، ارتباط داشته است. و دلیل دیگر اینکه، احاطه او بر علوم اسلامی (از جمله قرآن و حدیث) و ادبیات عرب، باعث شده است که درصد لغات عربی در مثنوی، بیش از حد انتظار باشد. تسلط مولوی بر زبان عربی تا حدی است که حدود سیصد بیت عربی در مثنوی وجود دارد در حالی که در تمام مثنویهای عطار این رقم به بیست بیت نمی رسد. (ج): نحوی: از این جهت تفاوت چندانی بین مولوی و عطار نیست.

۲- ادبی - الف بدیع: در این قسمت در بخش بدیع لفظی تفاوت چندانی مشاهده نمی شود و شاید به این علت است که این صنایع به صورت عادی و غیر تصنعی در اشعار هر دو آمده است و هیچ کدام از آنها برای ذکر صنایع لفظی به خود زحمت نداده اند، لاجرم آنچه در اشعار آنها منعکس شده است طبیعی می نماید که شاید همین مقدار صنایع لفظی در زبان عادی و روزمره هم نمایان شود. اما در بخش بدیع معنوی به طور محسوسی مثنوی مولوی از مثنویهای عطار قویتر است.

ب) بیان: در این قسمت، بجز در قسمت استعاره، تفاوت چندانی مشاهده نمی شود. دربخش «تشبیه و کنایه» خیلی به هم نزدیک هستند (۱۲/۳ و ۱۷) در مقابل ۱۲/۵ و ۱۷/۵ دربخش مجاز، عطار ۲٪ بیشتر استفاده کرده است اما در استعاره که فنی ترین مورد علم بیان است مولوی به مراتب قوی تر از عطار است (۱۴/۵ درمقابل ۰.۸٪) ضمن اینکه بیشتر استعاره های مولوی ازنوع استعاره مرشحه می باشد که فهم آن نسبت به استعاره مطلقه ومجرده مشکل تر است.

۳- تعداد ابیات

الف) ابیات حکایت، درمجموع مولوی حکایات را نسبت به عطار با اطناب بیشتری ذکر کرده است (۲۰ درمقابل ۱۳/۵) مولوی به طور متوسط هر حکایت را در ۲۰ بیت و عطار در حدود ۱۴ بیت ذکر کرده است. هر چند مولوی وانمود می کند که نقل داستان برای او مهم نیست و آنچه برای او اهمیت دارد نتایج ومعانی ومفاهیم است. اما از حکایات به عنوان بهانه ای برای ذکر نتایج، بیشترین استفاده را می برد، وحکایت راتا آنجایی که بخواهد از آن نتیجه بگیرد ادامه می دهد. به همین دلیل حکایات مولوی از نظر جزئیات و حواشی ازحکایات عطار طولانی ترند. یعنی مولوی مطالبی را به اصل حکایت افزوده است وگرنه درمجموع برای بیان یک مفهوم مشترک مولوی از کلمات کمتری استفاده کرده است. به عنوان نمونه به حکایت (پیر چنگی) یا (جام شکستن ایاز) رجوع شود.

ب) ابیات نتیجه: مهمترین تفاوت مولوی با عطار دراین قسمت است، به طور متوسط مولوی در هر حکایت ۱۰۶ بیت نتیجه گرفته است، اما عطار ۷ بیت نتیجه گرفته است یعنی مولوی ۱۵ برابر عطار نتیجه گرفته است ضمن اینکه مولوی از هر حکایت نتایج مختلف و فراوانی گرفته است، اما عطار معمولاً یک نتیجه بیشتر نگرفته است. نکته دیگر اینکه عطار به طور متوسط هر حکایت را در ۱۳/۵ بیت سروده و ۷ بیت نیز نتیجه گرفته، یعنی ابیات نتایج نصف ابیات حکایات است، درحالی که حکایات مولوی به طور متوسط ۲۰ بیت ونتایج ۱۰۶ بیت می باشد، یعنی حدود ۶ برابر حکایات، نتیجه گرفته است. آقای دکتر شفيعی کد کنی می گویند (اگر بخواهیم، در آثار عطار نسبتی برقرار کنیم، میان اصل داستان و استنتاج های عرفانی حجم

استنتاج‌ها چندین برابر حجم تمثیل‌ها و داستان‌ها است، و عطار در همه آثار مسلم خویش از هر تمثیل و داستان هر چند کوتاه‌بیشترین استفاده را برای عرضه داشت اندیشه‌ها و آموزه‌های عرفانی خویش می‌کند)<sup>۱</sup>. چنانکه ثابت کردیم این برداشت دکتر شفیع کدکنی منطقی نیست بلکه برعکس بسیاری از حکایات عطار حتی یک بیت هم نتیجه ندارد و بعضی از حکایات یک یا دو بیت بیشتر نتیجه ندارد. مثلاً در حکایت زن صالحه در الهی نامه، صفحه ۲۱، حکایت را در ۲۲۰ بیت سروده، حتی ۱ بیت هم نتیجه نگرفته است.

#### ۴- ویژگیهای دروه نخست زبان فارسی :

مهمترین مورد غیر منتظره در این مقایسه همین مورد است، علی‌رغم اینکه مولوی حدود نیم قرن با عطار فاصله دارد، و باید زبانش نوتر باشد، اما زبانش نسبت به عطار قدیمی‌تر است، شاید مهمترین علت آن، این است که مولوی در قرونیه به سر می‌برده است و تحت تأثیر تغییرات تدریجی زبان فارسی قرار نگرفته است و دلیل دوم اینکه به خاطر رعایت وزن و قافیه گاهی اوقات از کلمات کهنه تری استفاده کرده است. در حقیقت مولوی زبان زمان طفولیت خود را ( زبان قبل از حمله مغول ) در خاطر داشته و از آن تجاوز نکرده است.

۵- فکری : در این قسمت، زمینه مقایسه فقط حکایات مشترک نیست. تفاوت‌های عمده‌ای در شیوه بیان مولوی و عطار وجود دارد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- عطار معمولاً قبل از ذکر حکایات، نتیجه را بالکنایه ذکر می‌کند و در پایان نیز همان را تکرار می‌کند. به عنوان مثال رجوع شود به حکایت ( خلیفه و اعرابی ) در مصیبت نامه و حکایت ( خیار تلخ خوردن ) در مصیبت نامه. گاهی اوقات نیز از حکایت هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیرد و نتیجه‌گیری را به مخاطب واگذار می‌کند، به عنوان نمونه رجوع شود به حکایت ( ابراهیم و آتش ) و ( خوابیدن عاشق ) در منطق الطیر و حکایت<sup>۲</sup> ( دیوانه و عمید ) در مصیبت نامه و ( طوطی و بقال ) در مصیبت نامه اما مولوی علاوه بر نتیجه‌ای که در اول اراده کرده است



(یعنی حکایت را برای اثبات آن آورده است) در پایان حکایت نتایج دیگری را نیز ذکر کرده است. به عنوان مثال به حکایت (خلیفه و اعرابی)، (طوطی و بازرگان) رجوع شود.

۲- مولوی از شخصیت های مشهور تر و قدیمی تری استفاده کرده است. در حالی که شخصیت های حکایات عطار اغلب متأخرند. به عنوان نمونه به حکایت (خیار تلخ خوردن نظام الملک) رجوع شود و گاهی اوقات که لازم ندانسته، اسمی از قهرمان به میان نیاورده و به صورت مبهم ذکر کرده است، به حکایت (خلیفه و لیلی) و (خلیفه و اعرابی) رجوع شود.

۳- مولوی از حکایات، نتایج منحصر به فردی می گیرد. و همچنین یک چیز را در یک حکایت نماد چند چیز متفاوت می داند. به عنوان نمونه به حکایت (خلیفه و اعرابی) و (محمود و طفل هندو) و (مور حریص) رجوع شود. در حالی که حکایات عطار چنین نیستند.

۴- مولوی از طنز، بیشتر از عطار استفاده کرده است. حتی در حکایات مشترک با اضافه کردن چاشنی طنز به حکایات، آنها را جاودانه کرده است. حکایت «طوطی و بقال» و همچنین حکایت (خوایدن عاشق) نمونه بارز این داوری است چنانکه در مقایسه مثنوی و حدیقه بیان کردیم حداقل ۱۰۵ حکایت مولوی طنز آمیز است و این کار از سوی مولانا آگاهانه صورت گرفته است.

۵- مولوی از آوردن هزلیات و الفاظ رکیک ابائی نداشته است. اما عطار در کل منظومه هایش فقط یک بار لفظ رکیک بکار برده است.<sup>۱</sup>

۶- یکی از مهمترین تفاوت های بنیادی مولوی با عطار این است که قهرمانان حکایات مولوی در پایان حکایت به آگاهی می رسند و حقیقت بر آنها کشف می شود در حالی که قهرمانان حکایات عطار چنین وضعیتی ندارند. به عنوان نمونه در حکایت پیرچنگی، در مثنوی مولوی پیر چنگی از چنگ زدن پشیمان می شود و چنگ را می شکند و در نهایت فانی در ذات حق می شود، در حالی که پیرچنگی در حکایت عطار در جهل مرکب باقی می ماند. همچنین

<sup>۱</sup> اسرار نامه صفحه ۱۳۷، حکایت کسی که سرخری را برای دفع چشم زخم در بوستانی نصب کرده بود.

می توان به حکایات ( خلیفه و اعرابی ) و ( آینه و سیاه روی ) ( موش و شتر ) ( دیوانه و غلامان عمید ) و ( کسی که در خانه معشوق زد ) رجوع شود.

۷- چنانکه در مقدمه ذکر کردیم مولوی دارای دو زبان کاملاً متفاوت است، ( در حکایات عامیانه و در نتایج عالمانه است ) اما زبان عطار یکنواخت است. مهمترین دلیل این دوگانگی، این است که چون حکایات اغلب از زبان عوام است مولوی به ناچار زبان آنان را برگزیده است. به عنوان مثال به حکایت ( باز و پیره زن ) رجوع شود، اما به نظر می رسد، به علت اینکه مولوی ارزش چندانی برای ظاهر حکایات قائل نیست، لاجرم برای بیان آن زبان عالمانه ای را به کار نمی گیرد. البته مولوی در هر حکایت از الفاظ و کنایاتی که به نوعی با موضوع یا شخصیت های حکایت ارتباط دارند استفاده می کند، به عنوان نمونه رجوع شود به حکایت ( پشه و باد ).

۸- رشته اتصال حکایات در مولوی معمولاً منطقی تر و زیباتر است، هرچند در بسیاری از حکایات عطار نیز این زیبایی مشاهده می شود.

۹- عطار در پایان منظومه ها به دعا در حق خود و راز نیاز با خداوند می پردازد ولی مولوی چنین نیست. با اندکی مسامحه می توان گفت که مولوی در تمام حکایات نتیجه عرفانی گرفته است اما عطار در تعداد قابل ملاحظه ای از حکایات اصلاً نتیجه ای نگرفته است و در بسیاری از حکایات نتایج اخلاقی گرفته است. نمونه بارز این داوری حکایت ( خلیفه و اعرابی است ).

۱۰- مثنویهای عطار مطابق معمول دارای مقدمه و حمد و ستایش خداوند و می باشد اما مثنوی چنین نیست.

۱۱- مولوی بیشتر از عطار به آیات قرآن و احادیث توجه کرده است.

۱۲- در حکایات عاشقانه عطار سخن را به زیبایی به درازا می کشاند و حقیقتاً توصیف های عاشقانه عطار زیبا هستند. که می توان به حکایت ( کنیز و شاگرد ) رجوع کرد، در حالی که از این توصیف ها در مثنوی خبری نیست.

۱۳- یکی دیگر از تفاوت‌های عمده مولوی با عطار این است که مولوی حکایات را منطقی بیان کرده است و از جنبه اعجاب‌انگیزی و جادوئی آنها کاسته است به عنوان نمونه به حکایت (زاهدی که گریه می‌کرد و نمرود) رجوع شود.

۱۴- بسیاری از حکایات عطار یک موضوع تاریخی است و از نظر ادبی لطف چندانی ندارند، در حالی که مولوی در موضوعات تاریخی نیز برای بیان اندیشه و افکار خود دخل و تصرفهایی را روا داشته است به عنوان نمونه می‌توان به حکایت (حضرت علی و عمرو بن عبدود) رجوع کرد، که در آنجا علی رغم تمام کتب تاریخی که حضرت علی (ع) عمرو بن عبدود رامی‌کشد، مولوی می‌گوید عمرو بردست حضرت علی (ع) ایمان آورد و چندین نفر دیگر نیز از قبيله او اسلام آوردند.

## منابع و مأخذ

- اسرارنامه: فریدالدین عطار نیشابوری، مصحح، دکتر سید صادق گوهرین، انتشارات صفی علیشاه.
- الهی نامه، فرید الدین عطار نیشابوری، مصحح هلموت ریتز، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۶۸.
- اندیشه عطار، قادر فاضلی، انتشارات طلایه، تهران، ۱۳۷۴.
- بیان، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.
- حدیقه الحقیقه، سنائی غزنوی، مصحح، مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- زیبا شناسی سخن فارسی (۱)، دکتر میر جلال الدین کزازی انتشارات نشر مرکز، تهران، چاپ اول ۱۳۶۸.
- زیبا شناسی سخن فارسی (۲)، دکتر میر جلال الدین کزازی، انتشارات ماد، تهران چاپ پنجم ۱۳۸۰.
- زیبا شناسی سخن فارسی (۳)، دکتر میر جلال الدین کزازی، ماد، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- سبک خراسانی در شعر فارسی، دکتر محمد جعفر محجوب، انتشارات فردوس، تهران.
- سبک شناسی شعر، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوازدهم ۱۳۷۵.
- سبک شناسی نثر، محمد تقی بهار، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ پنجم ۱۳۶۹.
- سرنی، دکتر عبد الحسین زرین کوب، انتشارات علمی، تهران، چاپ ششم ۱۳۷۴.
- شرح مثنوی شریف، بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات زوار، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
- عروض و قافیه، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۵.
- فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
- کلیات سبک شناسی، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، تهران، چاپ پنجم ۱۳۷۸.
- مثنوی، جلال الدین محمد بلخی، مطابق با نسخه رینولد نیکلسون، انتشارات پیمان، دل آگاه، تهران چاپ اول ۱۳۷۷.

- مصیبت نامه، فریدون عطار نیشابوری، مصحح، دکتر عبدالوهاب نورانی وصال، تهران، چاپ اول ۱۳۸۸.
- معانی، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۲.
- منطق الطیر، فریدالدین عطار نیشابوری، مصحح، دکتر سید صادق گوهرین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران چاپ دهم ۱۳۷۴.
- مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم ۱۳۶۲.
- نگاهی تازه به بدیع، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوازدهم ۱۳۷۹.